

با مستعمره گفتن افغانستان عملیات تروریستی توجیه پذیر نیست !

عنوان «کردن افغانستان مستعمره» از سوی کسانی سعی آنها در جهت قبولاندن برداشت خود شان بر دیگران ظاهراً با تحلیل ها و مثال های حقوقی و سیاسی تا کنون در داخل کشور شاید به جز مورد قبول گروه طالبان و در سطح جهان به غیر از دو کشور ایران و پاکستان مورد تائید هیچ گروه داخلی و دولت خارجی واقع نشده باشد، زیرا اینگونه تبلیغات مسلماً به نفع پروژه دولت پاکستان برای تحت نفوذ قرار دادن افغانستان بوده و احتمالاً یک مقدار تاثیر ناچیز هم در افکار مردم ساده نگر افغانستان خواهد داشت، اما پس از نه سال تصمیمی از سوی بارک او بامه رئیس جمهور امریکا مبنی بر تعیین تاریخ آغاز خروج تدریجی قوای آنکشور از افغانستان در سال ۲۰۱۱ و ختم کامل آن در سال ۲۰۱۴ و به تعقیب آن تصامیم اخیر در کنفرانس بین المللی در شهر لیزبون پرتغال دیگر هیچ جا و دلیل منطقی برای عنوان کردن «افغانستان اشغال شده و مستعمره» باقی نمانده است، بعد از تصامیم یاد شده اگر کسانی غریزه و تمایل قومیت بر منطق شان غلبه نداشت، چنین حرفهای ناموجه را تکرار نمیکردند، معلوم است که به اصطلاح تئوریسین های دور از جنگ افغانستان در ساحل راحت نشسته غرب به تئوریهای ارائه نموده گذشته خود سخت گیر مانده اند.

مدافعان نظری گروه طالبان به این باور بوده اند که عملیات تروریستی سازمان القاعده در سال ۲۰۰۱ در نیویارک بهانه ای بوده برای دولت امریکا تا با اشغال افغانستان از آنجا به حیث یک منطقه ستراتیژیک انرژی نفت و گاز و غیره را در کنترل خود آورده و با این نوع استدلال ها عملیات تروریستی طالبان را مقاومت مسلحانه قوم پشتون و به لحاظ حایز اکثریت بودن قوم مذکور در برابر دیگر اقوام ساکن در افغانستان، عملیاتی که کاملاً بر علیه جان و هستی و حیثیت مردم می باشد آنرا به اصطلاح مقاومت ملی تبلیغ کنند، ولی برای همه قابل درک است که طالبها یک بخش قلیلی از میان اقوام پشتون بوده که خواه بر اساس تلقین مذهبی و یا نیاز مادی آله و وسیله ای شده اند برای تامین اهداف سازمان استخبارات نظامی پاکستان، سازمان القاعده و حکومت آخندی ایران که هر کدام از رهبران مذکور این تصور باطل را در سر می پرورند که با توصل به عملیات تروریستی و بر پاکردن آشوب ها در افغانستان خواهند توانست غربی هارا به شکست مواجه نموده و خواهند توانست لاشه امپراتوری اسلامی را از قبرستان تاریخ بر آورده و به آن زندگی بخشند و بدان وسیله مهار سیاست را در کشورهای اسلامی برای همیشه در دست خود گیرند البته بررسی دقیق و همه جانبه این مسایل خارج از چار چوب این نوشته بوده ولی آنچه در اینجا متناسب با موضوع این بحث قابل ذکر است موضوعیست که در صحنه سیاسی افغانستان می گذرد و آنچه من نسبت به تحولات و موضوعگیری های اخیر جناب کرزی در مقابل سیاست ها و عملکرد امریکائی ها در افغانستان تحت عنوان «حقانیت رئیس جمهور کرزی در دفاع از حاکمیت ملی» نوشته ام که در سایت وزین افغان جرمن آنلاين به نظر خواهی گذاشته شده بود باز هم طی یگان نوشته جداگانه اعتراض های نسبت به نوشته من دیده میشود لذا آنچه من از مخالفت رئیس جمهور کرزی با دولت امریکا متذکر شده بودم یعنی تلاشی خانه های مردم از سوی عساکر امریکائی بدون شرکت عساکر افغان و بمباردمان هوائی حق و ناحق بدون اطلاع به مقامات مسئول افغان و اعتراض به استخدام بیش از چهل هزار افراد داخلی و خارجی زیر نام سیکوریتی با صرف میلیون ها دالر که کار شان جز آزار و اذیت مردم افغانستان چیز دیگر نبوده است و اعتراض به اینکه امریکائی ها حق ندارند بدون توافق دولت افغانستان پای روسها را در جنگ علیه طالبها یا مبارزه علیه تولید و قاچاق مواد مخدر به افغانستان بکشند و مسایل دیگری از این باب بناءً از کسانی که این مسایل را حقوق ملی یک کشور و حق و صلاحیت رئیس دولت آنکشور نمی دانند می پرسم پس آنرا به چه تعبیر میکنند؟

حتی من اخیراً اعلامیه حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار مبنی بر تائید از موافقت نامه انتقال گاز ترکمنستان از طریق خاک افغانستان به پاکستان و هندوستان را برغم مواضع فکری ضد آزادی و عملکرد های نکبتبار و جنایتکار گذشته آن یک موضوعگیری خوب بدفاع از منافع ملی شمرده و برای اولین بار آنرا یک گام مثبت و معقول و تمایلی بسوی آشتی و صلح میدانم.

بهرحال اینک از جمبندی نظرات پیرامون دولت حامد کرزی و دولت های خارجی نپدخل در ارتباط به مسایل افغانستان به اساس نوشته ها، مصاحبات و حرفهای که تا حال شنیده شده میتوان گفت:

دیانو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

۱ - یک بخشی از افغانهای داخل و خارج کشور به این باور اند که افغانستان از سوی دولت امریکا و اعضای پیمان ناتو اشغال شده و تشکیل دولت و نهاد های آن چیزی جز ظاهر سازی و عوام فریبی نیست و در واقعیت امر تصامیم و اجرای امور مهم در حیطه صلاحیت امریکائی ها و دیگر قدرتهای خارجی بوده، رئیس جمهور کرزی صلاحیت لازم را ندارد.

۲ - برخی دیگری از افغانها به این تصور اند که دست مقامات دولت افغانستان در حدی که قانون تعیین کرده کاملاً باز بوده اما از اینکه رئیس جمهور کرزی کفایت کاری را ندارد، دولت بسوی خرابی و فساد روان است.

۳ - دستۀ سوم را نظر چنین است که افغانستان کشور اشغال شده و مستعمره محسوب شده نمیتواند موضوع اصلی دولت امریکا و ائتلاف بین المللی همانا مبارزه با تروریسم بوده ولی فساد اداری بیشتر متوجه مسئولین خارجی و دونه ها میباشد که در زد و بند با مقامات دولت افغانستان ب فکر استفاده جوئی شخصی بوده اند تا خدمت و بازسازی صحیح کشور.

خلاصه با اینکه سرپای نهاد های دولت را عناصر فاسد و جنایتکار فرا گرفته اند موجودیت به اصطلاح خال، خال شخصیت های فهیم و صادق در اطراف آقای کرزی را نمی شود نادیده گرفت و یا هر حرف و عمل کرزی را چون اپوزیسیون و داکتر عبدالله عبدالله که حتی اگر به اصطلاح سنگی از آسمان بیفتند و بفرق کسی اثابت کند گفته شود تقصیر کرزی است

پایان